

بسم الله الرحمن الرحيم

صد سال است که خون‌های ما می‌ریزد و دارائی‌های ما به تاراج می‌رود

(ترجمه)

این یادبودی برای فرزندان ماست؛ فرزندان بهترین امتی که برای نجات مردم از شرق تا غرب وظیفه داده شده اند. این یادبود بعد از گذشت صدومین سال نابودی دولت‌شان است؛ دولت خلافتی که در ماه رجب ۱۳۴۲ هـ.ق نابود شد. هدف از این یادبود گریه و ناله نه، بلکه هدف از آن نهضت، بیداری و کار برای از سرگیری جدید این دولت است، زیرا این دولت مادر همه مهربانی‌ها و پدر همه شفقت‌هاست. این علاوه بر آن است که کار برای از سرگیری این دولت فرض و حتی به اساس دلائل شرعی از قرآن، سنت، اجماع صحابه تاج الفروض است؛ اجماعی که واضح نموده که وحدت مسلمانان واجب و حقیقت این وحدت به دست نمی‌آید، مگر در سایه‌ای یک دولت اسلامی، که همانا دولت خلافت است. لذا یادبود برای فرضیت کارکردن بر احیای این دولت و گناه کناره‌گیری از برپائی این فریضه بزرگ است. پس کار برای این دولت مانند نماز و روزه فرض بوده و هر تارک و سهل‌انگار تا زمانی که خلافت وجود نداشته باشد، گنهکار است.

در این جا گوشه‌ای از رنج‌هایی که در هر وجب از این جهان پهناور بالای فرزندان ما مسلط شده بیان می‌کنیم که این رنج‌ها از دو جانب است:

جانب اول: ریختن خون‌های این امت بعد از نابودی خلافت: ابتداء از سرزمین مبارک فلسطین شروع می‌کنیم؛ سرزمینی که در زیر پای بدترین مخلوقات یعنی یهود از زمان داخل شدن قوم یهود به کمک و حمایت غرب کافر مخصوصاً انگلیس جنایت‌کار و فریب‌کار قرار گرفته است. این ذلت بعد از نابود کردن خلافت در سال ۱۹۲۴ م بوده و سپس در سال ۱۹۴۷ م دولت یهود از طریق سازمان ملل به رسمیت شناخته شد که تا ۲۰۲۱ م برادران ما در سرزمین مبارک فلسطین از کشته‌ها و ویرانی منازل رنج و خواری می‌کشند. اخراج‌شان از سرزمین شان ادامه دارد و اکنون هم به خاطر نجات از این درد و غم بالای برادران مسلمان شان در اردوها و به خاطر آزادسازی و پاک‌سازی سرزمین اسراء و معراج از آلوده گی یهود فریاد می‌زنند.

اگر به زخم تازه‌ای دیگری اشاره کنیم، همانا ترکستان شرقی و برادران ما در ایغور است؛ کسانی که در زیر انواع شکنجه و عذاب‌ها بسر برده و هیچ کسی به درد و ناله‌ای شان نمی‌رسد، حتی رسانه‌ها از رنج و دردهای که این مردم متحمل می‌شوند، چشم پوشی می‌کنند. در ایغور بیشتر از یک میلیون مسلمان در سال ۱۹۴۹ م به قتل رسیدند. وقتی که نظام کمونیستی چینی به رهبری ماوتسی تونگ در این سرزمین تسلط پیدا کرد، ۲۵ هزار مسجد را منهدم ساخت و امروزه بعد از دست یافتن به نیمی از اقتصاد کمونستی به دنبال و پیگیری دیانت‌گرائی است؛ مخصوصاً تعقیب و پیگیری جوانان یکی از سیاست‌های چین است.

عمل کرده‌های اعدام و گرفتاری‌های که در ظلم ظالمانه بالای این منطقه انجام می‌دهند و مسلمانان ایغور که از این منطقه فرار کردند، طوری تحت تعقیب قرار گرفتند که صدای شان در خارج پیچیده و تحت بهانه‌ای افراط‌گرائی توانستند تا بسیاری را از طریق نهادهای بین‌المللی گرفتار و زندانی سازند؛ مخصوصاً از سرزمین‌های آسیای میانه و پاکستان. به این ترتیب اقدام به

مسدود کردن پاسپورت‌ها و تنگ ساختن فضای عبادات‌شان پرداختند، مثل منع کردن کارمندان بخش عمومی و دانش‌جویان از روزه رمضان و پیگیری و زندانی ساختن کسی که شعائر اسلام را ظاهر می‌سازد. ...

امروزه تحت عنوان "چین مسلمانان را پیگیری می‌کند، برای کسانی که از موجودیت مردان ریش‌دار و زنان نقاب‌پوش خبر دهد، مکافات مالی در نظر گرفته شده است" مسلمانان تحت تعقیب و پیگرد قرار دارد. (منبع: سایت روزنامه‌ی دیار به تاریخ ۲۳ فبروری ۲۰۱۷م از روزنامه محلی چین نقل کرده است)

علاوه بر آن، حملات عقیم‌سازی زنان مسلمان در این منطقه نیز ذکر شده است. اسناد شینگونگ در خصوص مسأله ایغور طوری ذکر کرده که مقامات چینی تصمیم برنامه‌ای نازاسازی هزاران زن ایغوری را روی دست دارند. مجله‌ای فارین پالیسی امریکائی این‌گونه اقدامات چینی را از بین بردن جمعی توسط چین خوانده است و درین اجزاء وجود داشته است که گواه میزان منظم‌سازی خانواده در سال ۲۰۱۹م بوده است.

به همین ترتیب، اگر به یمن توجه کنیم، هیچ خانه‌ای از کشتار به وسیله هواپیماهای حکام خلیج و یا با افروختن آتش جنگ به وسیله‌ی طرفه‌های درگیر مزدور و یا به سبب امراضی که در بین مردم به دلیل جنگ‌های نیابتی حکام مزدور خالی نبوده و یا این‌که مجروح، معیوب، زندانی و فقر را به جا گذاشته است. این ذلت و رنج‌های مردم یمن از ۲۶ مارچ ۲۰۱۵م شروع نشده، بلکه رنج این مردم از زمان سقوط حاکمیت اسلام و داخل شدن یمن در جوی خون، آن هم به اثر کشمکش‌های دولت‌های غربی کافر شده است. پس در جریان این صد سال یمن گواه بسیاری از قربانی‌ها در به وسیله همین حکام غربی در شمال و جنوب یمن بوده که صدها قربانی را از بی‌گناهان و خسارات مالی را در جنگ‌های بیهوده برداشته اند.

هم‌چنان از باب یادآوری است که در سال ۱۹۶۳م جنوب یمن گواه قتل و کشتار شدیدی بین جبهه ملی و جبهه تحریر و در سال ۱۹۸۶م در جنوب یمن در همان زمان جنگ شدید و کشتار بسیاری صورت گرفت. هم‌چنان منطقه‌ای وسطی یمن در سال ۱۹۷۸م شاهد جنگ این جبهه یا جنگ در میان و وسط یمن بود. در سال ۱۹۹۴م جنگ بین حکام شمال و حکام جنوب صورت گرفت. هم‌چنان جنگ‌های شش‌گانه‌ای که از آغاز سال ۲۰۱۰م شروع شد، همه‌ای این جنگ‌ها، مردم و حتی زمین را فقط به دلیل خوش خدمتی به کفار هلاک و از بین برد که این جنگ‌ها، جنگ‌های نیابتی است. این است حال و اوضاع یمن که زمانی در سایه‌ای دولت اسلامی زنده‌گی با سعادت و با عزتی داشت.

اما ما نمی‌خواهیم این‌جا برای آگاه نمودن فرزندان امت از همه‌ای مواردی که رنج می‌برند، موضوع را طولانی سازیم، بلکه به همین سه مثالی که ذکر کردیم، اکتفاء نموده، ولی مهم این است که بدانیم عامل و دلیل این همه مصیبت‌ها، حکام مزدور غرب کافر و نبود سرپرست امت اسلامی است و نبود خلافت است.

بخش دوم: چپاول و به تاراج بردن داشته‌های این امت از جانب دشمنان آن به صورت مستقیم توسط مشت اندکی از فرزندان ناخلف و مزدور خود امت است. الله سبحانه و تعالی برای این امت ثروت‌های فراوانی را در زیر و روی زمین بخشیده، اما این داشته‌ها به دلیل مسلط بودن غرب بالای امت اسلامی آن‌هم از طریق حکام مزدور، منبع مایه بدبختی خود ما در عوض آسایش گردیده است، نفت، گاز، معادن و زمین حاصل خیز ما، دریاها، تنگه‌ها، خلیج‌ها و رودخان‌های ما، همه این ثروت‌ها در

سرزمین‌های اسلامی جمع شده و بسیاری از سرزمین‌های اسلامی دارای غنای این ثروت‌ها را می‌بینیم که در کشمکش‌های خونین قرار داشته ولی مردم آن در زیر خط فقر قرار دارند!

جای تعجب است سرزمین‌های مانند دولت‌های کوچک منطقه‌ای خلیج که بخش گسترده‌ای از این دارائی‌ها را در خود جای داده، مردم آن نیز از داشته‌های آن به صورتی که الله سبحانه و تعالی از آن‌ها راضی باشند، استفاده نمی‌برند؛ بلکه حکام مزدور دروازهٔ فساد را بر این سرزمین‌ها باز کرده مانند این‌که بورس‌ها و بانک‌های سودی و شرکت‌های سهامی و هتل‌هایی را باز کرده اند تا اعمالی را انجام می‌دهند که باعث خشم الله سبحانه و تعالی گردد و بعضی از آن‌ها سرمایه‌های این امت را به غارت بردند تا در آمریکا و اروپا سرمایه گذاری کنند. هر دو طیف کسانی اند که داشته و ثروت سرزمین‌های اسلامی و محرومان را می‌خورند.

در این‌جا از سرزمین ثروت‌مندی مثال می‌دهیم که متأسفانه مردمش از گرسنگی در حال مرگ است: نایجیریا؛ بر هیچ پژوهش‌گری پوشیده نخواهد بود که نایجیریا سرزمین غنی و دارای معادن زیرزمینی و نفت مشهوری است. این سرزمین از جمله‌ای مهم‌ترین دولت‌های صادر کنندهٔ نفت، گاز و عضو سازمان "اوپک" می‌باشد. این سرمایه‌های است که به خاطر همین سرمایه‌ها آب دهان دولت‌های استعماری در پشت آن ترشده مخصوصاً انگلیس و آمریکا که به دلیل نفت و سرمایه‌های معدنی این سرزمین‌ها را استعمار کردند. به این ترتیب چین می‌خواهد که در قارهٔ آفریقا در استعمارگری به این کشورها بپیوندد، مخصوصاً منطقه‌ای دلتا نایجیریا که یکی از سرزمین‌های اسلامی بوده و نایجیریا ضمن آن است. این سرزمین یکی از ثروت‌مندترین مناطق طبیعی در روی زمین بوده که امروزه بسیاری از کشمکش‌ها و گروه‌های مسلح را از همان زمان با خود داشته و تمام این مشکلات در محور نفت این سرزمین می‌چرخد. از سال ۱۹۵۷م یعنی زمان کشف این سرزمین تاکنون دلتای نایجیریا یکی از فقیرترین سرزمین بوده و بیشترین آلودگی از اثر جنگ‌های نظامی در این دولت آفریقائی است. پس بسیار جای تعجب است!!

نایجیریا گواه کشمکش‌ها و جنگ‌های دوام‌داری است که مردمش مجبور به هجرت شده و عامل عمدهٔ این رنج‌ها جنگ بین‌المللی در این سرزمین بین آمریکا و مزدوران انگلیس است. ...

این چنین است روزگار سرزمین‌های اسلامی که بعد از بین رفتن دولت خلافت چنین میدانی جنگ برای هر اشغال‌گر و طعمهٔ برای هر حریص و طمع کننده قرار گرفته است. فقر جان‌کاهی در این سرزمین حاکم است که در حدود ۸۷ میلیون انسان را تحت خط فقر قرار داده که این عدد به صورت کلی معادل ۵۰ درصد ساکنین این سرزمین می‌باشد. در جریان سال ۲۰۱۹م نایجیریا از جمله سرزمین‌های به حساب آمد که بیشترین فقر را در جهان دارا است. تنها در مورد هند اگر بگوئیم، طبق گزارش بنیاد تحقیقی "وورلد بوفرتی کلوک" و خدمات شبه محرومین از طریق نهادهای جاده‌ها، آب‌های جاری، برق و جمع‌آوری و گسترش زباله‌ها در جاده‌ها، در هر دقیقه شش تحقیقی در چرخه فقر مهلک افتاده و انتظار می‌رود که از مجموع تعداد ساکنین این کشور تا سال ۲۰۳۰م ۱۲۰ میلیون میزان افراد فقیر یعنی از ۴۴٫۱٪ به ۴۵٫۵٪ برسد.

سوال این است که ثروت تحقیقی به کجا می‌رود؟ چرا مردم این سرزمین زیر خط فقر، کشتار، مریضی، مهاجرت و این ذلت قرار دارند؟ این سرمایه‌ها به کشورهای کفری در برابر قیمت ناچیزی می‌رود که چرخ صنعت کشورهای کفری را به دور انداخته

و جاده‌های شان را روشن و زمینه آسایش را برای آن‌ها مساعد می‌سازد، اما خود مردمی که صاحب دارائی و ثروت هستند و بر این سرمایه‌ها نشسته اند در بدبختی و سختی کامل به سر می‌برند!

این گوشه‌ای کوچکی از رنج‌های امت اسلامی است که به دلیل نبود سرپرست بوده و در این جا به آن‌ها اشاره کردیم؛ سرپرستی که صد سال قبل آن را از دست داده و امروز هیچ راه حل جز کار با حزب التحریر راه دیگری نداریم؛ حزبی که در بین امت اسلامی و با امت اسلامی برای ازسرگیری خلافت اسلامی کار و فعالیت می‌کند.

ای مسلمانان! شما را به کار و فعالیت به سوی خلافت اسلامی فرا می‌خوانیم تا از این لجن‌زار ظلم بیرون شده و به سوی برپائی خلافت کار کنیم تا با بازگشت اسلامی و حاکمیت آن در روی زمین این دین مجد و عظمت خویش را دو باره پیدا کند.

نویسنده: عبدالهادی حیدر-ولایه تونس

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

مترجم: مصطفی اسلام